

رتبه‌بندی عوامل اثرگذار بر حقوق مالکیت معنوی در فضای سایبر

مژده ماهرخ مقدم*

نسیم مجیدی فهرودی**، افسانه مظفری***

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی عوامل موثر بر حفظ مالکیت معنوی از یک سو و شناسایی اهمیت و اولویت بندی آنان تدوین شده است که با روش ترکیبی کمی و کیفی صورت گرفته است. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل خبرگان، مولفان، مدرسان و فعالان در عرصه حقوق، ارتباطات و فناوری اطلاعات است که در حوزه مالکیت معنوی نیز تجربه و تخصص لازم را نیز دارا باشند. بر اساس نتایج بخش کیفی، عوامل موثر بر حقوق مالکیت معنوی در حوزه کتب و نشریات در فضای مجازی در چند محور شناسایی شد. در واقع پس از اجرای روش دلفی و اجماع نظر خبرگان، چهار حوزه موثر بر حقوق مالکیت معنوی شناسایی شد: رسانه‌ای، حقوقی، فلسفی و فنی که لزوم سیاست‌گذاری مطلوب مسائل حقوق مالکیت معنوی در این چهار حوزه احساس می‌شود. جامعه آماری بخش کمی پژوهش مولفان، ناشران و متخصصان حوزه نشر کتاب در شهر تهران است. بر اساس نتایج بخش کمی این پژوهش، توجه به آزمون مقایسه میانگین یک جامعه همه ۴ بعد سیاست‌گذاری رسانه‌ای، حقوقی، فلسفی و فنی بر حفظ حقوق مالکیت معنوی تاثیر

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)، mmahrokhmoghadam@yahoo.com

** استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
nassim_majidi2002@yahoo.com

*** دانشیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
a.mozaffari@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

گذار است. همچنین با توجه به آزمون فریدمن مشخص شد به ترتیب، سیاست گذاری حقوقی، فلسفی، رسانه‌ای و در نهایت سیاست گذاری فنی اهمیت دارند.

کلیدواژه‌ها: حقوق مالکیت معنوی، حق مولف، فضای مجازی، روش دلفی

۱. مقدمه

به موازات توسعه جوامع و پیشرفت علمی و فرهنگی آن بعضی از مظاهر غیر مادی از جمله حقوق افراد نسبت به مطالبات آنها و جنبه‌های مختلف بهره برداری از اموال غیرمادی نیز به عنوان نوعی مال شناخته شدند که از آن جمله می‌توان به حق مولف یا کپی رایت (Copyright) اشاره نمود. در واقع حقوق مالکیت معنوی (IP) وسیله ای قانونی و نهادی برای محافظت از خلاقیت‌های ذهنی مانند اختراعات، آثار هنری و ادبیات و طرح‌ها است (Dutfield & Roberts, 2017: 23).

پیدایش رایانه تبعات و اثرات فوق العاده‌ی آن بستری است که مسایل و موضوعات گوناگونی در حقوق و خصوصاً حقوق مالکیت فکری ایجاد نموده است. همچنین وسایل و تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری که این تبادل و ارتباط را فراهم می‌سازد هر یک به نوعی مرتبط با شاخه‌های مالکیت فکری است. البته هر چند که ممکن است برخی از آنها به طور کامل یا اساساً مورد حمایت قرار نگیرد، لیکن عناصر تشکیل دهنده اثر و محصول مورد حمایت در آنها به خوبی قابل ملاحظه است (هاشمی و اخوان فرد، ۱۳۹۴). این امر توازن دیرین و همزیستی کپی رایت و منافع عمومی را دستخوش آشفتگی کرد. در واقع در عصر دیجیتال مساله حریم خصوصی موضوعی مهمی است که در آن به اشتراک گذاری غیر مجاز داده‌ها، ادغام داده‌ها، استفاده از داده‌های غیراخلاقی و افشای عمومی غیرمجاز مهمترین حوزه‌های نگرانی است (Chattopadhyay, 2013, 7).

از طرفی ایران در زمینه حقوق مالکیت معنوی وضعیت چندان مناسبی ندارد و با وجود حضور قوانین حمایت از مالکیت معنوی این امر چندان در کشور رعایت نمی‌شود که این مساله عواقب ناخوشایندی را به همراه دارد. همچنین باید توجه داشت که الزام‌های جهانی مبنی بر رعایت این امر، بسیاری از ابعاد دیگر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر دارد. در واقع پذیرش نظام مالکیت فکری شرط لازم برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی است و از سوی دیگر نپذیرفتن هنجارهای این نظام عکس العمل بسیاری از کشورهای تولید کننده محصولات فکری را در بر خواهد داشت. از این رو، تقریباً تمامی کشورهای

جهان امروز متقاعد شده‌اند که باید در این حوزه ورود پیدا کنند و هنجارهای آن را بپذیرا باشند. حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و مخترعین ضرورتی انکار ناپذیر برای همه‌ی کشورهای جهان به خصوص کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی است و ایران نمی‌تواند به دلایلی همچون وارد کننده بودن محصولات فکری از پذیرش اصل حمایت از این حقوق سر باز زند؛ زیرا عدم حمایت از آفرینندگان محصولات فکری علاوه بر آن که انگیزه مخترعین و پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط را برای آفرینش ایده‌های نو و اختراعات جدید و ابتکاری خواهد کاست، در سطح بین‌المللی نیز در دراز مدت زیان‌های مادی و معنوی بسیاری را به همراه خواهد داشت (حبیبی، ۱۳۸۶).

لذا به نظر می‌رسد توجه به حقوق مولف برای ایجاد ارتباط و مبادلات فرهنگی، اقتصادی و ... کشور در عرصه جهانی، ضروری است. همچنین باید توجه داشت حقوق مالکیت معنوی به طور فزاینده با شکل دادن به انگیزه‌های مؤثر برای توسعه فناوری‌های جدید، نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا می‌کند (alimove, 2019: 195). چرا که حقوق مالکیت معنوی یک سیاست مهم در تحریک نوآوری و رشد اقتصادی است (Chu & etal, 2018: 110). لذا روند جهانی تقویت و هماهنگی سیستم‌های حقوق مالکیت معنوی در بیست و پنج سال گذشته با امضای توافقنامه‌های تجاری که شامل فصل‌هایی با مفاد مالکیت معنوی و سایر موارد مرتبط با تجارت است، شدت گرفته است (Campi & Duenas, 2019: 1).

فضای مجازی به هر فردی که به اینترنت دسترسی داشته باشد، امکان می‌دهد وارد تعامل، تبادل و به اشتراک نهادن اندیشه‌ها و اطلاعات شود و آزادانه محتواهای متعدد اعم از کتاب، موسیقی، نقاشی، فیلم، بازی‌ها، نرم افزارهای کاربردی و مانند آن را که به شکل دیجیتال درآمده‌اند به آسانی و با کیفیت بالا و با سرعت زیاد به هزاران نفر در گوشه و کنار دنیا ارسال کند یا آنها را از دیگران دریافت نماید. به علاوه، فناوری دیجیتال این امکان را به کاربران می‌دهد که آثار ادبی و هنری مشمول کپی رایت را تحریف کنند. لذا چاره اندیشی برای حمایت از کپی رایت در فضای مجازی امری ضروری و حیاتی برای بقای نشریات و کتب می‌باشد چرا که به شدت در این عرصه شکننده و آسیب پذیر می‌باشند. در این پژوهش محوریت موضوع بر روی نشریات و کتب می‌باشد و کسانی که در این عرصه فعالیت دارند. چرا که به نظر می‌رسد نشریات و کتب در این عرصه بیشتر دچار آسیب و چالش‌های فضای مجازی شده‌اند.

در همین راستا یکی از مواردی که در این پژوهش مورد توجه است، بهره‌گیری از اساتید سه حوزه علوم ارتباطات اجتماعی، حقوق و فناوری اطلاعات است. زیرا مساله حقوق مالکیت معنوی، امری چندوجهی است که می‌توان از سه حوزه علوم ارتباطات اجتماعی، حقوق و فناوری اطلاعات به واکاوی آن پرداخت. با شناسایی عوامل موثر بر حقوق مالکیت معنوی می‌توان در جهت سیاست‌گذاری درست گام برداشت و به بهبود مساله مالکیت معنوی در حوزه نشریات و کتب کمک کرد. لذا در این تحقیق پژوهشگر بر آن است که از یک طرف به شناخت ابعاد حقوق مالکیت معنوی نشریات و کتب در فضای مجازی بپردازد و از طرفی دیگر به مطالعه اثر ابعاد حقوق مالکیت معنوی نشریات و کتب در فضای مجازی بپردازد و ضمناً به شناخت اهم ابعاد حقوق مالکیت معنوی تاثیر گذار بر نشریات و کتب در فضای مجازی بپردازد.

۲. چارچوب نظری

مبانی مالکیت فکری، در صدد پاسخ به چرایی مشروعیت حق پدیدآورنده بر پدیده فکری است. با نگاه اجمالی به مبانی اعتبار مالکیت فکری در می‌یابیم هر مبنا بر عنصری از شکل-گیری پدیده فکری توجه کرده است. برخی به عنصر کار و فعالیت فکری و تلاش پدیدآورنده توجه نموده و سعی کرده‌اند با توجه به احترام کار، مشروعیت مالکیت فکری را به اثبات رسانند. برخی به غایت اعتبار مالکیت فکری توجه نموده و مصالح فردی و اجتماعی را مد نظر قرار داده‌اند. دیدگاه اصالت منفعت بر این امر اصرار می‌ورزد. دیدگاه-هایی شخصیت پدیدآورنده را کانون نظر قرار داده و با تحلیل شخصیت به توجیه حق پدیدآورنده پرداخته‌اند. در ادامه به هریک از این مبانی اشاره می‌شود؛

- نظریه کار: حق مالکیت را به عنوان یک حق طبیعی معرفی می‌نماید. حقی که قبل از تشکیل جامعه مدنی و دولت وجود داشته و دولت باید در صیانت و حفاظت از آن بکوشد. اندیشمندان این نظریه را بر پدیده‌های فکری نیز تطبیق داده‌اند (حکمت نیا و ساوجی، ۱۳۸۵).

- نظریه منفعت: اصالت منفعت به عنوان یک نظریه پس از شکل‌گیری نظام مالکیت فکری مطرح شده است. بر اساس این نظریه، وضع، تبیین و تفسیر قواعد و قوانین، بر اساس منفعت صورت می‌گیرد، در نتیجه قواعد حقوقی سر از نسبیت در می‌آورد؛ آنچه دیروز دارای منفعت بود، ممکن است امروز فاقد منفعت باشد. عامل

مهمی که در شناخت اصالت منفعت در حوزه مالکیت فکری وجود دارد، شناخت مطلوبیت است، یعنی هدفی که قواعد حقوقی مالکیت فکری درصدد تأمین آن هستند. و معمولاً بر دو استدلال استوار است نخست ابداع و اختراع پدید نخواهد آمد مگر اینکه انگیزه‌های قوی و مؤثر و معمولاً اقتصادی وجود داشته باشد و دوم ارزانترین و قوی‌ترین راه برای جامعه در ایجاد این انگیزه‌ها، اعطای مالکیت فکری به پدیدآورنده است (Anderson, 2003).

- مبنای شخصیت: مبنای شخصیت از جمله مبانی مهمی است که بعد از شکل‌گیری نظام مالکیت فکری مطرح شده است. این مبنا به جای تأکید بر عنصر کار یا منفعت در شناسایی نظام مالکیت فکری، تمام توجه خود را به شخصیت و حقوق مرتبط به شخصیت معطوف می‌دارد و خود را از هر امر بیرونی بی‌نیاز می‌کند. به دیگر سخن، نظریه شخصیت تلاش می‌کند تا امتیاز مالکیت فکری را از طریق تحلیل شخصیت افراد به دست آورد (حکمت نیا و ساوجی، ۱۳۸۵).

از طرفی با ورود به عصر دیجیتال و گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، در کنار همه مواهبی که برای بشر داشته است، مالکیت معنوی در این عرصه نیز دچار چالش‌هایی شده است. لذا توجه به نظریاتی که در عرصه فناوری‌های نوین تدوین شده است، به منظور تبیین مالکیت معنوی در عصر جدید ضروری است. به این منظور در این پژوهش از نظریات جامعه شبکه‌ای کستلز و ون دایک بهره گرفته می‌شود که در ادامه به آن پرداخته می‌شود؛

جامعه‌ی شبکه‌ای را می‌توان شکلی از جامعه تعریف کرد که به گونه‌ای فزاینده روابط خود را در شبکه‌های رسانه‌ای سامان می‌دهد؛ شبکه‌هایی که به تدریج جایگزین شبکه‌های اجتماعی ارتباطات رو در رو می‌شوند، یا آن‌ها را تکمیل می‌کنند. این بدان معنی است که شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای در حال شکل دادن به شیوه‌ی سازمان‌دهی اصلی و ساختارهای بسیار مهم جامعه مدرن هستند. این شبکه‌ها تمام واحدها و قسمت‌های این صورت بندی (افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها) را به طور روزافزونی به هم متصل می‌کند (مهدی زاده، ۱۳۹۱). کاستلز ویژگی‌های اصلی جامعه شبکه‌ای را بیش از هر چیز در قالب متغیرهای اقتصادی و بازار متجلی می‌داند. اقتصاد اطلاعات، اقتصاد جهانی، روابط شغلی که معطوف به فعالیت‌های اقتصادی است و ظهور نوعی قطب بندی که باز هم به نوعی به موضوع دارا و ندار می‌پردازد (castells, 2009). از آن جا که شبکه‌ها می‌توانند بدون هیچ

محدودیتی گسترش یابند، ابزار مناسبی برای فعالیت های مختلف، چون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هستند. شبکه های اجتماعی خود نیز دارای ساختار متفاوتی هستند، که موجب شده جامعه جدیدی را به وجود آورند. جامعه ای که در آن تعامل و ارتباط بعد مکان و زمان را از میان برده است. اجتماع مجازی که در این شبکه ها تشکیل شده افراد را با علایق و سلیقه کنار یکدیگر قرار می دهد. گسترش شبکه های اجتماعی مجازی باعث به وجود آمدن فضای شبه واقعی شده است. ویژگی های خاص این جوامع چون اقتصاد مجازی، سیاست برپال رسانه، واقعیت مجازی و زمان بی زمانی و مکان بی مکانی است، که مناسبات خاص خود را ایجاد کرده است و حقوق مالکیت معنوی نیز به علت ویژگی های خاص این جامعه نوظهور دستخوش دگرگونی شده است که با توجه به ویژگی های خاص این جامعه نیاز به بازنگری دارد. جامعه شبکه ای، همانطور که ون دایک آن را تصور می کند، می تواند نوع جدیدی از جامعه باشد که در آن روابط اجتماعی با فناوری های واسطه ای سازماندهی می شوند و یک شبکه ارتباطی را به جای شبکه های مبتنی بر روابط اجتماعی چهره به چهره، شکل می دهند. او میان «جامعه شبکه ای» و «جامعه اطلاعاتی»، بر اساس آنچه بر آن تمرکز دارند، تفاوت قائل می شود. مفهوم «جامعه اطلاعاتی» بر جوهر تغییر فرآیندهای اجتماعی متمرکز است؛ درحالی که مفهوم «جامعه شبکه ای» به اشکال سازمانی فرآیندهای اجتماعی مربوط است (van Dijk, 2006).

۳. ادبیات پژوهش

برای بکارگیری مفاهیم و اصطلاحات موجود در پژوهش نیاز است که ابتدا این مفاهیم تعریف شوند. در این پژوهش مفهوم اصلی مبحث حقوق مالکیت فکری می باشد، در واقع حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری (حقوق مولفان) یا حقوق مالکیت ادبی و هنری یا کپی رایت از شاخه های اصلی حقوق مالکیت فکری است. کپی رایت مجموعه ای از حق های انحصاری است که به پدیدآورنده آثار ادبی و هنری تعلق می گیرد. این حق ها در دو دسته حق های اقتصادی و حق های معنوی جای می گیرند. حق های اقتصادی امکان بهره برداری مادی از ثمره تلاش و کوشش پدیدآورنده اثر را در انحصار وی قرار می دهد و تکثیر، انتشار و انتقال اثر به عموم را بدون پدیدآورنده منع می کند. حق های معنوی از انتساب اثر به پدیدآورنده، کلیت و یکپارچگی اثر حمایت می کنند (Dusolliert & etal, 2000). دیگر مفهوم اصلی در این پژوهش فضای مجازی به عنوان بستری است که

حقوق مالکیت معنوی در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. از نگاه بل (Bell) (۲۰۰۱)، فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت افزار نیست بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را رد و بدل می‌کنند. فضای مجازی در واقع نامی است که تعداد زیادی از کاربردهای امروز فناوری‌های جدید ارتباطی را در بر می‌گیرد (Whittaker, 2004: 157).

مرور پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه موضوع پژوهش، امری است که به محقق کمک می‌کند تا با بینشی دقیق‌تر به مساله بنگرد. لذا محقق پس از بررسی تحقیقات پیشین به این نتیجه رسید که عموم تحقیق‌های صورت گرفته در زمینه حقوق مالکیت معنوی در فضای مجازی، معطوف به مسائل حقوقی، چالش‌ها و راهکارهای این مساله بوده است و پژوهشگران از بررسی سایر ابعاد متصور بر مفهوم حقوق مالکیت معنوی در فضای مجازی غفلت ورزیدند. از جمله پژوهش‌هایی که به مسائل حقوقی حقوق مالکیت معنوی در فضای مجازی پرداختند، عبارتند از؛

سرگلزاری و کیخا (۲۰۱۷) به مطالعه حقوق مالکیت معنوی نرم افزاری پرداختند. کورتنی (۲۰۱۳) به مطالعه حقوق مالکیت معنوی در محیط دیجیتال پرداخته است که به مطالعه مسائل روز کپی رایت در محیط دیجیتال پرداخت. پژوهش مایر (۱۹۹۸) با عنوان مطالعه حقوق مالکیت فکری در اینترنت و پژوهش برت (۲۰۰۲) با عنوان مطالعه دانش دیجیتال: حق مالکیت معنوی و اینترنت. البته پژوهش‌هایی نیز در زمینه سیاست‌گذاری‌های فنی نیز صورت گرفته است که آن هم بیشتر با نگاه حقوقی توأم بوده است و وجه حقوقی پژوهش بیشتر مسلط بوده است از جمله؛ کمپی و دیوناس (۲۰۱۹) به مطالعه حقوق مالکیت معنوی، موافقتنامه‌های تجاری و تجارت بین‌المللی پرداخته است. همچنین پژوهش کاراکلیچ (۲۰۱۹) به بررسی مفهومی و فلسفی از حقوق مالکیت معنوی در دستگاه‌های نظری سرمایه‌داری و مارکسیسم پرداخته است. پژوهش استراوس (۲۰۱۵) به مطالعه جنبه‌های اخلاقی حقوق مالکیت معنوی پرداخت. در مجموع با مرور پژوهش‌های گذشته و مقایسه آن با تحقیق حاضر می‌توان گفت مساله حقوق مالکیت معنوی بیشتر از وجه حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. صرف نظر از ذات حقوقی این مساله، باید گفت این امر ابعاد و زوایای متعدد دیگری نیز دارد که در میان پژوهش‌ها مغفول مانده است و به آن توجه نشده است. در این پژوهش سعی شده است با نگاهی چند وجهی و جامع‌تر نسبت به تحقیقات پیشین، این کمبود را پوشش داد.

۴. روش تحقیق

روش این پژوهش ترکیبی می‌باشد که در دو فاز کیفی و کمی اجرا شده است. در بخش کیفی محقق از روش دلفی به منظور شناسایی ابعاد تاثیرگذار در حقوق مالکیت معنوی بهره برد. به این منظور در مرحله اول، با مصاحبه باز با خبرگان شروع شد که اهم سوالات از خبرگان پرسیده شد. بعد از جمع آوری پاسخ‌ها، پژوهشگر، پرسشنامه بسته‌ای تهیه نمود. در مرحله دوم، هر شرکت کننده در این روش، این پرسشنامه را دریافت کرد و در این مرحله، شرکت کنندگان به اولویت بندی و درجه بندی ابعاد موضوع مورد بحث، پرداختند. در پایان مرحله دوم نکات مورد عدم توافق خبرگان، معلوم شد. در مرحله سوم هر یک از اعضای پانل، دوباره پرسشنامه‌ای دریافت نمودند که در آن خلاصه نکات مرحله قبل مطرح شده بود. در این مرحله، از آنان خواسته شد در داوری خود در باب موضوعات طرح شده تجدیدنظر کنند یا دلیل خود را در مورد موارد عدم اجماع بیان نمایند. در چهارمین و آخرین مرحله، لیستی از موارد مورد اجماع و موارد عدم اجماع در اختیار اعضای پانل قرار گرفت. این مرحله، آخرین فرصت برای اعضای پانل به منظور تجدید دیدگاه و داوری آنها محسوب می‌شد و در نهایت محورهای مورد اجماع خبرگان دریافت شد. جامعه تحقیق، خبرگان، مولفان، مدرسان و فعالان در عرصه، حقوق، ارتباطات و فناوری اطلاعات هستند که در حوزه مالکیت معنوی نیز تجربه و تخصص لازم را نیز دارا باشند که به صورت نمونه گیری گلوله برفی (Snowball sampling) انتخاب شده‌اند، در این روش از کیس اولیه خواسته می‌شود تا افرادی را که برای موضوع تحقیق مناسب می‌بیند را به پژوهشگر ارجاع دهد. به این ترتیب که هر یک از مصاحبه شوندگان، مصاحبه شونده بعدی را معرفی کرده است و محقق تا جایی که مصاحبه ادامه داد که به اشباع نظری رسید.

در بخش کمی پژوهش با هدف کاربردی و جهت گیری توصیفی از نوع پیمایشی است. برای آزمون فرضیات تحقیق نیز به کمک روش میدانی و با ابزار پرسشنامه بدست آمد. جامعه آماری تحقیق شامل مولفان، مترجمان و ناشران که در حوزه مالکیت معنوی تجربه و تخصص لازم را نیز دارا باشند، است. طبق آمار حدوداً ۱۹۰۰۰ مولف و ۷۰۰۰ نفر مترجم و ۳۰۰۰ ناشر فعال در استان تهران مشغول به فعالیت می‌باشند. با توجه به حجم جامعه، حجم نمونه در این تحقیق از فرمول کوکران برای جامعه محدود به دست آمده است که معلوم شد محقق ۳۵۲ نفر را به عنوان نمونه تحقیق انتخاب کند. برای انتخاب نمونه نیز محقق از روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی متناسب بر اساس نوع فعالیت

استفاده کرد. برای تهیه سؤالات پرسشنامه این تحقیق؛ پژوهشگر از شاخص‌های به دست آمده در روش کیفی استفاده نمود. برای اطمینان از صحت و اعتبار پرسشنامه، محقق از روایی صوری استفاده کرد. به این صورت که پرسشنامه به یازده صاحب نظر داده شد و از آنان در مورد هر سؤال و توانایی آن سؤال در خصوص ارزیابی هدف مربوطه نظرخواهی شد و با نظر آنان اصلاحات جزئی در پرسشنامه صورت گرفت و در نهایت روایی پرسشنامه توسط آنان مورد تأیید قرار گرفت. برای پایایی این کار محقق ۳۰ پرسشنامه را در نمونه اولیه تحقیق توزیع و بعد از جمع آوری و استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بهره برد که پایایی کل پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ می‌باشد (حداقل مقدار مجاز) لذا می‌توان مدعی شد که پرسشنامه این تحقیق از پایایی کافی برخوردار می‌باشد.

با توجه به چهارچوب نظری و مساله اصلی تحقیق، سوال‌های پژوهش کمی به قرار ذیل است؛

- آیا ابعاد حقوق مالکیت معنوی نشریات و کتب در فضای مجازی، در حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر دارد؟
- رتبه هر یک از ابعاد حقوق مالکیت معنوی نشریات و کتب در فضای مجازی چیست؟

۵. تحلیل داده‌های حاصل از روش کیفی

در بخش کیفی پژوهش، برای انجام پژوهش حاضر، با توجه به اهداف پژوهش و مرور ادبیات پژوهش در این زمینه، سوالاتی تدوین شد و تلاش شد تا الگوی اولیه‌ای در این زمینه شکل بگیرد. سپس از طریق روش دلفی سعی شد تا روند روبه رشدی در الگو پدید آید و سرانجام الگوی نهایی شناسایی شد. در بخش نخست چنانچه گفته شد با توجه به اهداف پژوهش و مرور ادبیات پژوهش و همچنین مصاحبه با خبرگان، محقق دست به تدوین سوالات پرسشنامه زد. که در این بخش از سوالات باز استفاده شد، تا متخصصان بتوانند در جهت اهداف پژوهش پاسخ خود را بدهند. ضمن آنکه بتوان از نتایج حاصله نقطه نظرات و مسائل مهم مساله حقوق مالکیت معنوی را استخراج نمود بی آنکه متخصصان را محدود نمود. در ادامه سوالات این بخش در جدول ذیل نشان داده شده است؛

جدول ۱- سوالات پرسشنامه

اهم سوالات پرسشنامه	
۱	جایگاه قوانین و مقررات مالکیت معنوی در ایران و جهان چگونه است؟
۲	تا چه حد به قوانین مالکیت معنوی در ایران پرداخته شده است؟
۳	چگونه می توان موانع عدم رعایت قوانین مالکیت معنوی و حق مولف را در فضای مجازی رفع کرد؟
۴	چه راهکارهایی جهت رعایت قوانین مالکیت معنوی و حق مولف در فضای مجازی پیشنهاد می کنید؟
۵	جایگاه قوانین مالکیت معنوی و حق مولف در فضای مجازی چگونه است؟
۶	چارچوب های قانونی و حقوقی، فرهنگی و رسانه ای و فنی مناسب در فضای مجازی در ارتباط با مالکیت معنوی چیست؟ بایدها و نبایدهای این عرصه چیست؟

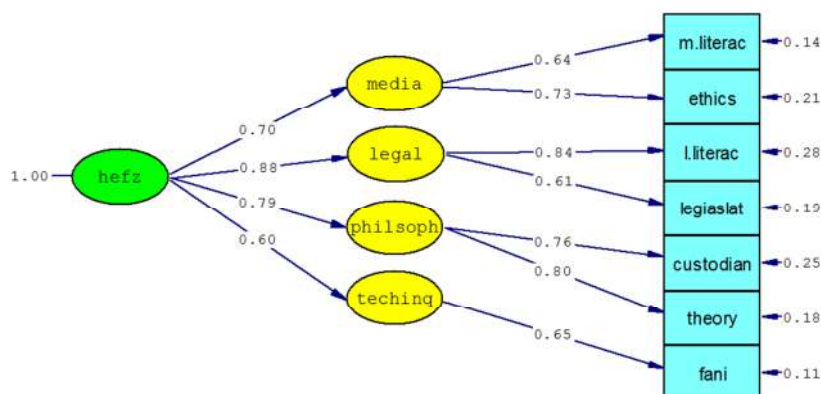
پس از دریافت پاسخ های پرسشنامه سوالات باز، به استخراج مفاهیم اولیه و تکرار شونده پرداخته شده است. پس از استخراج این مضامین، در نهایت با توزیع این پرسشنامه در میان خبرگان برخی سوالات که به حد متوسط نرسید و وزن کمتر از متوسط را از دید متخصصان گرفت، از پرسشنامه حذف گردید. در گام بعد پرسشنامه ای بر مبنای پاسخ ها و میزان اجماع خبرگان، تدوین شد. مجددا خبرگان میزان توافق خود را با هریک از شاخص ها و مفاهیم درج شده اعلام کردند و نقطه نظرات خود را مطرح نمودند. سپس پاسخ ها توسط محقق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این بخش پژوهشگر درصدد است به سطحی انتزاعی تر و بالاتر دست یابد و به یافتن روابط شاخص ها و مفاهیم دست یابد. در نهایت خبرگان نهایتا عوامل موثر بر روی حقوق مالکیت معنوی را در چهار بعد که هریک دارای شاخص هایی بودند، به اجماع نظر رسیدند که در جدول ذیل مشاهده می شود؛

جدول ۲- یافته های حاصل از روش دلفی

مقولات		کدهای مفهومی
۱	سیاست گذاری رسانه ای	سواد رسانه ای
		اخلاق رسانه ای
۲	سیاست گذاری حقوقی	سواد حقوقی
		ضعف قانون گذاری
۳	سیاست گذاری فلسفی	ضعف متولیان
		نبود پشتوانه محکم نظری درباب حقوق مالکیت معنوی
۴	سیاست گذاری فنی	استفاده از فناوری های جدید در یافتن موارد نقض حقوق مالکیت معنوی
		استفاده از فناوری های جدید برای افزایش ضریب امنیت محتوا
		مرجع آنلاین تخصصی ارائه مشاوره
		نظارت مستمر بر محتواهای بارگذاری شده

۶. تجزیه و تحلیل داده های کمی

با توجه به مدل تحقیق، به کمک آزمون تحلیل عاملی تاییدی در نرم افزار لیزرل به بررسی دقت مدل پیشنهاد شده پرداخت. برای این کار ابتدا به کمک آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن داده‌های حاصل از پرسشنامه را مورد بررسی قرار داده است چرا که این مساله یکی از شروط استفاده از نرم افزار مناسب در روش معادلات ساختاری می باشد. با توجه به نرمال بودن داده‌ها؛ لذا در این بخش محقق می‌تواند به کمک نرم افزار لیزرل به بررسی مدل تحقیق بپردازد(در دو حالت ضریب معناداری و تخمین استاندارد).



شکل ۲- تحلیل عاملی تاییدی مدل تحقیق در حالت تخمین استاندارد

در آزمون تحلیل عاملی تاییدی و در حالت تخمین استاندارد، بارهای عاملی باید بالاتر از ۰/۵ باشد که همان طور که در شکل فوق دیده می‌شود، همه بارهای عاملی بالاتر از ۰/۵ می‌باشد لذا می‌توان ادعا کرد که مدل به خوبی سنجیده شده است. همچنین در آزمون تحلیل عاملی تاییدی و در حالت ضرایب معناداری، بارهای عاملی باید بالاتر از ۱/۹۶ باشد که با توجه به وجود بارهای عاملی بیشتر از ۱/۹۶، می‌توان ادعا کرد که مدل به خوبی سنجیده شده است. همچنین برای بررسی میزان برازش این مدل تحقیق از شاخص‌های خاصی استفاده می‌گردد که نتایج این شاخص‌ها نشان داد که مدل به خوبی برازش شده است.

با توجه به تایید مدل به طور کلی، محقق قصد دارد تا دریابد آیا مولفه‌های ۴ بعد حقوق مالکیت معنوی نشریات و کتب در فضای مجازی، در حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر دارد؟

برای پاسخگویی به این سوال و با توجه به:

- اولاً: نرمال بودن داده ها

- ثانياً: این که در این تحقیق برای متغیر حفظ حقوق مالکیت معنوی سوال جداگانه‌ای طراحی نشده است (در واقع سوالات به طور همزمان اثر ابعاد حقوق مالکیت معنوی بر حفظ حقوق مالکیت معنوی را می‌سنجند)

لذا محقق از آزمون مقایسه میانگین یک جامعه برای بررسی اثر استفاده کرده است. در این آزمون، سوال مطرح شده در مورد میانگین یک جامعه در سطح خطای α مورد بررسی قرار می‌گیرد. این آزمون برای متغیرهای کمی به کار می‌رود و در مواردی برای تشخیص تاثیر یا عدم تاثیر متغیر(ها) در وضعیت مورد بررسی استفاده می‌شود. اگر میانگین هر متغیر از حد معینی بیشتر بود، آن متغیر در پدیده مورد نظر موثر تلقی می‌شود.

جدول ۳- مولفه های ۴ بعد حقوق مالکیت معنوی در حفظ حقوق مالکیت معنوی

خطای محاسبه شده	آماره t	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰	۹/۲۶	۰/۶۴	۳/۳۰	سواد رسانه ای
۰/۰۰	۱۵/۴۱	۰/۵۸	۳/۴۵	اخلاق رسانه ای
۰/۰۰	۹۱/۶۸	۰/۳۱	۴/۴۹	سواد حقوقی
۰/۰۰	۱۲۰/۹۱	۰/۲۳	۴/۴۲	قانون گذاری
۰/۰۰	۳۱/۶۳	۰/۸۳	۴/۳۵	متولیان
۰/۰۰	۲۳/۴۵	۰/۷۲	۳/۸۶	پشتوانه نظری
۰/۰۰	۵/۶۲	۰/۷۸	۳/۲۲	سیاست گذاری فنی

برای تایید و یا رد فرضیات باید به میزان خطای محاسبه شده (sig) توجه کرد. چنانچه در جدول فوق مشاهده می‌شود:

- میزان خطای محاسبه شده (sig) سواد رسانه ای با میزان ۰/۰۰ کمتر از خطای مجاز (۰/۰۵) می باشد، لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان مدعی شد که سواد رسانه ای بر حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر معناداری دارد. همچنین با توجه به میانگین ۳/۳۰ این متغیر که از مقدار متوسط (۳) بیشتر است می‌توان مدعی شد که اثر سواد رسانه- ای بر حفظ حقوق مالکیت معنوی، اثری مثبت و معنادار است.

- میزان خطای محاسبه شده (sig) اخلاق رسانه‌ای با میزان ۰/۰۰ کمتر از خطای مجاز (۰/۰۵) می‌باشد، لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان مدعی شد که اخلاق رسانه ای بر

حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر معناداری دارد. همچنین با توجه به میانگین ۳/۴۵ این متغیر که از مقدار متوسط (۳) بیشتر است می‌توان مدعی شد که اثر اخلاق رسانه ای بر حفظ حقوق مالکیت معنوی، اثری مثبت و معنادار است.

- میزان خطای محاسبه شده (sig) سواد حقوقی با میزان ۰/۰۰ کمتر از خطای مجاز (۰/۰۵) می‌باشد، لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان مدعی شد که سواد حقوقی بر حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر معناداری دارد. همچنین با توجه به میانگین ۴/۴۹ این متغیر که از مقدار متوسط (۳) بیشتر است می‌توان مدعی شد که اثر سواد حقوقی بر حفظ حقوق مالکیت معنوی، اثری مثبت و معنادار است.

- میزان خطای محاسبه شده (sig) قانون‌گذاری با میزان ۰/۰۰ کمتر از خطای مجاز (۰/۰۵) می‌باشد، لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان مدعی شد که قانون‌گذاری بر حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر معناداری دارد. همچنین با توجه به میانگین ۴/۴۲ این متغیر که از مقدار متوسط (۳) بیشتر است می‌توان مدعی شد که اثر قانون‌گذاری بر حفظ حقوق مالکیت معنوی، اثری مثبت و معنادار است.

- میزان خطای محاسبه شده (sig) متولیان با میزان ۰/۰۰ کمتر از خطای مجاز (۰/۰۵) می‌باشد، لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان مدعی شد که متولیان بر حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر معناداری دارد. همچنین با توجه به میانگین ۴/۳۵ این متغیر که از مقدار متوسط (۳) بیشتر است می‌توان مدعی شد که اثر متولیان بر حفظ حقوق مالکیت معنوی، اثری مثبت و معنادار است.

- میزان خطای محاسبه شده (sig) پشتوانه نظری با میزان ۰/۰۰ کمتر از خطای مجاز (۰/۰۵) می‌باشد، لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان مدعی شد که پشتوانه نظری بر حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر معناداری دارد. همچنین با توجه به میانگین ۳/۸۶ این متغیر که از مقدار متوسط (۳) بیشتر است می‌توان مدعی شد که اثر پشتوانه نظری بر حفظ حقوق مالکیت معنوی، اثری مثبت و معنادار است.

- میزان خطای محاسبه شده (sig) سیاست‌گذاری فنی با میزان ۰/۰۰ کمتر از خطای مجاز (۰/۰۵) می‌باشد، لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان مدعی شد که متغیر سیاست‌گذاری فنی بر حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر معناداری دارد. همچنین با توجه به میانگین ۳/۲۲ این متغیر که از مقدار متوسط (۳) بیشتر است می‌توان مدعی شد که

اثر متغیر سیاست گذاری فنی بر حفظ حقوق مالکیت معنوی، اثری مثبت و معنادار است.

همچنین محقق قصد داشت تا رتبه هر یک از ابعاد حقوق مالکیت معنوی نشریات و کتب در فضای مجازی را مشخص کند. برای پاسخگویی به این سوال و با توجه بحث رتبه بندی، محقق از آزمون فریدمن استفاده کرد که نتایج آن در جدول ذیل قابل مشاهده است:

جدول ۲ - آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

رتبه	میانگین رتبه	متغیر
سوم	۱/۷۶	سیاست گذاری رسانه ای
اول	۳/۶۸	سیاست گذاری حقوقی
دوم	۲/۸۹	سیاست گذاری فلسفی
چهارم	۱/۶۷	سیاست گذاری فنی
Sig=۰/۰۰		خطای محاسبه شده

میزان خطای محاسبه شده (sig) نشان می دهد که این ۴ متغیر از رتبه و جایگاه یکسانی برخوردار نمی باشند. همچنین با توجه به میانگین رتبه بدست آمده می توان مدعی شد که سیاست گذاری حقوقی در رتبه اول با میانگین رتبه ۳/۶۸، سیاست گذاری فلسفی با میانگین رتبه ۲/۸۹ در رتبه دوم، سیاست گذاری رسانه ای با میانگین رتبه ۱/۷۶ در رتبه سوم و سیاست گذاری فنی با میانگین رتبه ۱/۶۷ در رتبه چهارم در حفظ حقوق مالکیت معنوی نشریات و کتب در فضای مجازی قرار دارند.

۷. بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج این پژوهش، عوامل موثر بر حقوق مالکیت معنوی در حوزه کتب و نشریات در فضای مجازی در چند محور قابل شناسایی است در واقع محقق پس از اجرای روش دلفی و اجماع نظر خبرگان، هفت محور که مسائل و مشکلات حقوق مالکیت معنوی حول آنها شناسایی شده است، بیان گردیده است. که در جدول ذیل درج شده است؛

جدول ۲- هفت محور مسائل و مشکلات حقوق مالکیت معنوی

شاخص‌ها	محور‌ها	
نا آگاهی کاربران از حقوق مالکیت معنوی کتب و مطبوعات در فضای مجازی	سواد رسانه‌ای	۱
نا آگاهی پدیدآورندگان از حقوق مالکیت معنوی کتب و مطبوعات در فضای مجازی		
ضعف در آموزش رسانه‌ای کاربران فضای مجازی در مورد حقوق مالکیت معنوی و حدود و ثغور آن		
چارچوب اخلاقی مبهم در زمینه حقوق مالکیت معنوی در فضای مجازی	اخلاق رسانه‌ای	۲
وجود رویکردهایی در سطح جامعه که حقوق مالکیت معنوی را به رسمیت نمی‌شناسند		
نا آگاهی افراد از حقوق مولف و حقوق مالکیت معنوی	سواد حقوقی	۳
نا آگاهی پدیدآورندگان از حقوق مولف و حقوق مالکیت معنوی		
فقدان منابع انسانی متخصص	ضعف متولیان حوزه حقوق مالکیت معنوی	۴
ضعف ایران در پیوستن به معاهدات بین‌المللی مهم در حوزه حقوق مالکیت معنوی		
عدم فرهنگ سازی در زمینه حقوق مالکیت معنوی		
فقدان مرجع آگاهی دهنده مناسب	ضعف قانون گذاری در حوزه حقوق مالکیت معنوی	۵
عدم شفافیت قوانین		
عدم به روز شدن قوانین		
ضعف در اجرای قوانین		
عدم ضمانت اجرای قوانین		
عدم بازدارندگی قوانین		
عدم شمول قوانین		
قوانین سطحی و فکر نشده	نبود پشتوانه نظری محکم در باب حقوق مالکیت معنوی	۶
نگاه سیاسی		
رویکردهای متفاوت و متناقض در حوزه حقوق مالکیت معنوی	نظارت فناورانه	۷
نبود ضمانت اجرای شرعی		
استفاده از هوش مصنوعی		
استفاده از بلاکچین		
مرجع آنلاین تخصصی ارائه مشاوره		
نظارت مستمر بر محتواهای بارگذاری شده		

این شاخص‌ها در ۴ بعد طبقه‌بندی شد که عبارتند از؛ سیاست‌گذاری رسانه‌ای، حقوقی، فلسفی و فنی. راهکارهای حل مسائل و مشکلات حقوق مالکیت معنوی در حوزه کتب و نشریات در فضای مجازی با سیاست‌گذاری‌های مناسب در ۴ بخش قابل بهبود است در واقع در دنیای پر از پیچیدگی و تغییر معاصر، حل مسایل نیازمند ذهن‌های روشن و آگاه است. با توجه به آنچه گفته شد، راهکارهای حل مسائل و مشکلات حقوق مالکیت معنوی، در زمینه سیاست‌گذاری رسانه‌ای، به این منظور صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که آموزش مفهوم مالکیت معنوی و کاربرد آن در بستر رسانه‌های جدید و طرح مباحث اخلاقی و شفاف‌سازی حدود اخلاق می‌تواند گام موثری در زمینه حل مسائل و مشکلات حقوق مالکیت معنوی باشد. در زمینه سیاست‌گذاری حقوقی، با توجه به ماهیت حقوقی مالکیت معنوی که یک مبحث حقوقی می‌باشد که دارای مفاهیم و اصطلاحات حقوقی است، لذا آشنایی با این مفاهیم و همچنین قوانین حقوق مالکیت فکری در ایران و جهان، می‌تواند به درک بهتر و بیشتر افراد کمک کند. همچنین از طرفی، ضعف در امر قانون‌گذاری در ابعاد مختلف باید برطرف گردد و به این منظور قانونگذار باید به صورت همه‌جانبه و با بهره‌گیری از افراد متخصص و مسلط بر حوزه نشر کتب و نشریات و بهره‌گیری از نظر متخصصان فضای مجازی به تدوین قوانین بپردازد و با بازنگری همه‌جانبه در قوانین در جهت اصلاح آن گام بردارد. در زمینه سیاست‌گذاری فلسفی، معمولاً دو طیف نگاه به آن وجود دارد، نخست نگاهی که حمایت از حقوق مالکیت معنوی را امری ضروری برای افزایش نوآوری و حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی، هنری و ... می‌داند و از سوی دیگر نگاهی که بر این باور است که به دلیل انحصاری که از این حقوق به دست می‌آید، منافع اجتماعی و اقتصادی آن بیش از آنکه به نفع کشورهای در حال توسعه و واردکننده اموال فکری باشد، تامین‌کننده منافع اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و تولیدکننده دانش فکری است. اما در این بین به نظر می‌رسد اتخاذ یک سیاست بینابینی مفید باشد. در بعد سیاست‌گذاری فنی، کشف موارد نقض حقوق مالکیت معنوی می‌باشد که به نوعی ناظر بر کنترل و نظارت در این عرصه است که به سبب گسترش روزافزون اطلاعات و محتوا و اهمیت یافتن اطلاعات در این عرصه است یکی از رایج‌ترین مفاهیمی که به این امر نسبت می‌دهند، مفهوم جامعه اطلاعاتی است. مفهوم جامعه اطلاعاتی که توسط دانیل بل مطرح شد، به این معناست که دانش و اطلاعات در حال تبدیل شدن به عوامل کلیدی

در توسعه اقتصادی و اجتماعی است. لذا با توجه به اهمیت فناوری های نوین اطلاعاتی، می‌توان نقش بی بدیلی در زمینه حقوق مالکیت معنوی در فضای مجازی داشته باشد.

در بخش کمی پژوهش، محقق برآن بود تا دریابد آیا ابعاد حقوق مالکیت معنوی نشریات و کتب در فضای مجازی، در حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر دارد؟ با توجه به آزمون مقایسه میانگین یک جامعه مشخص شد که، هر چهار بعد شناسایی شده یعنی سیاست گذاری رسانه‌ای، حقوقی، فلسفی و فنی در حفظ حقوق مالکیت معنوی اثر دارند.

در زمینه شاخص های سیاست گذاری های رسانه‌ای، سواد رسانه‌ای و اخلاق رسانه‌ای می‌تواند نقش بی بدیلی در رفتار کاربران فضای مجازی برای حفظ حقوق مالکیت معنوی باشد. این شاخص ها مانند یک قطب نمای درونی می‌تواند افراد را کنترل نماید همچنین با توجه به جامعه تحقیق که ناشران و مولفان هستند این امر به سبب رسالت های حرفه‌ای آنان اهمیت دارد. در زمینه سیاست گذاری حقوقی، اصولا مولفان و ناشران به سبب حوزه فعالیت خود به تجربه و همچنین با بهره گیری از وکلای خبره در حوزه حقوق مالکیت معنوی مفاهیم و قوانین حقوقی حقوق مالکیت در حوزه کتب و نشریات و فضای مجازی آشنایی و اشراف پیدا می‌کنند. و با بینش نسبت به عمل خود اقدام می‌کنند و با توجه به اینکه عواقب حقوقی کار خود را می‌داند، احتمال دارد حداقل به سبب نا آگاهی از قوانین حقوقی ناخواسته مرتکب این اعمال نشوند. در زمینه سیاست گذاری فلسفی متولیان امر حقوق مالکیت معنوی به عنوان هسته اصلی سیاست گذاری هستند که در زمینه داخلی و خارجی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند، همچنین پشتوانه نظری در زمینه حقوق مالکیت معنوی یعنی دوری از نگاه سیاسی و ایدئولوژیک صرف، ایجاد رویکردی میانه به جای رویکردهای نظری متفاوت و متناقض و وارد کردن مساله حقوق مالکیت معنوی در سپهر گفتگومانی دینی و ایجاد ضمانت اجرای شرعی مناسب، می‌تواند بر رعایت و حفظ حقوق مالکیت معنوی کتب و نشریات در فضای مجازی تاثیر گذار باشند. این مساله می‌تواند به این خاطر باشد که به سبب به حاشیه رانده شدن مفهوم حقوق مالکیت معنوی، از مسائل و دغدغه های روز جامعه از طرفی و با توجه به اهمیت رویکردهای دینی در جامعه ایران که بسیاری از نهادها به ویژه امر قانون گذاری، ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم دینی دارد، در صورتی که به این مساله از نظر دینی توجه شود و به یک اجماع نظری رسید که به دور از تناقض و افراط گرایی باشد. می‌توان انتظار بهبود اوضاع در زمینه منظور را داشت و در نهایت سیاست گذاری فنی یعنی استفاده از فناوری‌های جدید در یافتن موارد نقض حقوق

مالکیت معنوی، با توجه به ماهیت و بستر فنی محتواهای جاری شده در فضای مجازی، سیستم نظارتی بر آن نیز باید از جنس خود آن باشد تا با آن سازگاری داشته باشد. از طرفی سیاست گذاری فنی به منزله نظارت مستمر و قوی مهمترین عاملی است که می‌تواند، مانع ناقضان حقوق مالکیت معنوی شود و این نظارت باعث می‌شود کاربران همیشه احساس کنند، نقض قوانین توسط آنها دیده و مجازات می‌شود.

در گام بعدی تحقیق همچنین، محقق درصدد پاسخ به این سوال بود که رتبه هر یک از ابعاد حقوق مالکیت معنوی نشریات و کتب در فضای مجازی چیست؟ که با توجه به آزمون فریدمن مشخص شد به ترتیب، سیاست گذاری حقوقی، سیاست گذاری فلسفی، سیاست گذاری رسانه‌ای و در نهایت سیاست گذاری فنی اهمیت دارند. سیاست گذاری حقوقی به عنوان یک ضرورت و پیش شرط تلقی می‌شود که همه سیاست گذاری های دیگر منوط به اجرای درست این سیاست گذاری تلقی می‌شود، چرا که در صورت تدوین قوانین صحیح و شاکله حقوقی قدرتمند، می‌توان انتظار داشت که تغییرات به خوبی اجرا شوند و هر بخشی در جای درست خود قرار دارد. قرار گرفتن سیاست گذاری فلسفی در جایگاه دوم می‌تواند به این علت باشد که این نوع سیاست گذاری بر مبنای شکل‌گیری پایه‌ای مفهوم حقوق مالکیت معنوی است و همچنین بر مبنای بنیان‌های فلسفی و سیاسی این مبحث بنا شده است که در صورتی که تناقض‌های آن رفع شود، می‌توان انتظار داشت متولیان مساله حقوق مالکیت معنوی با عملکرد بهتری به رسالت خود عمل کنند. مباحث رسانه و آموزش رسانه‌ای درست در گرو چارچوب و قوانین و همچنین خط مشی واضحی است تا بر مبنای آن بتوانند بایدها و نبایدهای مساله حقوق مالکیت معنوی را در چارچوب آموزشی، اخلاقی و ... تعیین نمود لذا با مشخص شدن چارچوب‌های حقوقی و رویکردهای نظری به این امر می‌توان نظام آموزش رسانه‌ای مناسب را بنا کرد. مسائل حوزه حقوق مالکیت معنوی در ایران بیش از آنکه فنی باشد در زمره ابعاد دیگر می‌گنجد. از طرفی این جایگاه به معنای بی اهمیت بودن آن نیست ولیکن سیاست گذاری فنی نیز منوط به تدوین صحیح قانون و آموزش و رویکرد صحیح به امر حقوق مالکیت معنوی می‌باشد.

۸. پیشنهادات

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، محقق به دست اندرکاران و متولیان مسئول در زمینه حقوق مالکیت معنوی توصیه می‌کند؛ ابتدا در هر یک از چهار زمینه سیاست گذاری شامل سیاست گذاری رسانه‌ای، حقوقی، فلسفی و فنی به تدوین راهکارهایی درخور پردازند. از جمله پیشنهاد می‌شود؛

- در زمینه سیاست گذاری رسانه‌ای با تدوین منابع آموزشی مناسب به آگاه سازی در مورد مصادیق و حدود و ثغور حقوق مالکیت معنوی در رسانه‌های مختلف پردازند. همچنین با مطرح کردن مباحث اخلاقی و ترسیم چارچوب روشنی از آن در جامعه رعایت حقوق مالکیت معنوی را امری اخلاقی در همه ابعاد و زوایا نمایند.
- در حوزه سیاست گذاری حقوقی از دو جهت باید به مساله حقوق مالکیت معنوی توجه شود. نخست ارتقای سطح آگاهی جامعه نسبت به قوانین حقوقی است که این امر سبب می‌شود بسیاری از افراد که از روی ناآگاهی مبادرت به نقض حقوق مالکیت معنوی می‌کنند، دیگر مرتکب این عمل نشوند. این مهم را با آموزش قوانین مالکیت حقوقی در نهادهای آموزشی از جمله مدرسه و دانشگاه و همینطور آموزش عمومی جامعه در قالب همایش، جشنواره و ... عملی سازند. دوم در امر قانون گذاری، قانون گذار باید دقت بیشتری به خرج دهد و با استفاده از افراد متخصص و همچنین به کارگیری مولفان و ناشران در قانون گذاری، نگاهی همه جانبه و واقع بینانه داشته باشد و کاستی‌های قوانین کنونی را رفع کند. همچنین با بهره گیری از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مذکور، با دید جامع، قوانینی جامع وضع کنند.
- در زمینه سیاست گذاری فلسفی، به نظر می‌رسد مساله حقوق مالکیت معنوی هنوز به عنوان یک مساله و دغدغه برای متفکران تبدیل نشده است و تا زمانی که این مساله به بحث و تبادل نظر گذاشته نشود و ریشه‌ها و اهمیت آن برای اندیشمندان روشن نگردد، نمی‌توان توقع داشت که گفتمان درخوری در جامعه به خود اختصاص دهد. از طرفی مساله متولیان اجرای حقوق مالکیت معنوی در کشور باید مورد توجه قرار گیرد. وجود سازمان‌های موازی و تداخل وظایف آنها با یکدیگر، انحراف سازمان‌ها از وظیفه اصلی و رنگ و بوی سیاسی گرفتن، برخورد سلیقه‌ای و استانداردهای دوگانه مسائلی هستند که این سازمان‌ها به آن مبتلا هستند لذا باید با مشخص کردن هر چه بیشتر وظایف و مسئولیت‌ها، در نظر گرفتن یک سازمان

مشخص برای رسیدگی به مسائل حقوق مالکیت معنوی، بازتعریف فلسفه وجودی این سازمان ها بر ارتقای عملکرد آنان افزود. از طرفی با یکپارچه سازی فعالیت ها و رویه ها سعی در رفع موانع داخلی در پیوستن به معاهدات بین المللی در زمینه حقوق مالکیت معنوی داشته باشند که این مهم با برگزاری نشست های هم اندیشانه، اعمال نظرات تخصصی، شکل دادن به فضای گفتمانی مناسب در این عرصه، قابل دستیابی می باشد.

- در حیطه سیاست گذاری فنی، مساله منابع انسانی متخصص و همچنین امکانات فنی مناسب در کنار یکدیگر می توانند با قدرت بیشتری در ساماندهی محتواهای جاری در فضای مجازی کمک کنند.

کتابنامه

- حبیبیا سعید. (۱۳۸۶). «چالش های جدید مالکیت فکری». فصلنامه حقوق، شماره ۴، صص ۶۴-۳۷.
- حکمت نیا، محمود؛ موحدی ساوجی، محمد. (۱۳۸۵). «جایگاه مبانی نظری در فهم و ترسیم نظام مالکیت فکری»، فصلنامه حقوق اسلامی. ۲ (۸)، صص ۱۰۴-۸۹.
- مهدی زاده، محمد. (۱۳۹۱). نظریه های رسانه: اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی. چاپ دوم، تهران: همشهری.
- هاشمی، سمانه؛ اخوان فرد، مسعود. (۱۳۹۴). «حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی سایبری». نخستین کنگره بین المللی حقوق ایران، تهران، مرکز همایش های توسعه ایران.

- Brett, D. (2002), Digital Knowledge: Copyright Intellectual Property and the Internet, World Congress on Intellectual Capital Readings, Pages 57-71
- Dusolliert, S, Oullet, Y. Buydens, M. (2000). Copyright and Access to Information in the Digital Environment, In UNESCO. Copyrightbulleti. 34(4): 4-36.
- Meyer, S. (1998), Intellectual Property Rights On The Internet, Computer Law & Security Review, Volume 14, Issue 1, and Pages 14-21.
- Whittaker, J (2004). The cyberspace handbook. London and New York. 157.
- Castells, Manuel. (2009). The Rise of the Network Society, Volume 1, Second edition.
- Van Dijk, Jan. (2006), the Network Society Social Aspects of New Media, SAGE Publications. Second edition.
- Anderson, Birgitte. (2003). The Rationals for intellectual property in the Electronic Age, School of management and organization worling paper, Birkbeck, University of London.

- Chattopadhyay, Sougata. (2013). Intellectual Property Rights in Digital Environment, Reprographic Rights and Copyright Act: Challenges and Management, At Indian Statistical Institute, Kolkata.
- Chu, A. C., Fan, H., Shen, G., Zhang, X. (2018). Effects of international trade and intellectual property rights on innovation in China, *Journal of Macroeconomics*, 57, pp 110-121.
- Alimov, A. (2019). Intellectual property rights reform and the cost of corporate debt, *Journal of International Money and Finance*, 91, pp 195-211.
- Dutfield, GM., Roberts, TW. (2017). Intellectual Property Rights, University of Leeds, Leeds, UK.
- Kyle K. Courtney, Copyright in the Digital Age, in *Law Librarianship in the Digital Age* (Ellyssa Kroski, ed., 2013).
- Campi, M., Dueñas, M. (2019). Intellectual property rights, trade agreements, and international trade, *Research Policy*, vol 48, issue 3, pp 531-545.
- Sargolzaei, E., Keikha, F. (2017). Examining Software Intellectual Property Rights. *International Journal of Advanced Computer Science and Applications*, Vol. 8, No. 11, pp 594-600.
- Emrah, Karakilic. (2019). Rethinking intellectual property rights in the cognitive and digital age of capitalism: An autonomist Marxist reading. *Technological Forecasting and Social Change*, vol 147, pp 1-9.
- Straus, J. (2015). Intellectual Property Rights: Ethical Aspects. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (Second Edition), pp 262-265.